

## حق ازدواج همجنس گرایان و مقاومت بی ثمر سنت گرایان و متعصبین مذهبی !

arash@funtrivia.com

آرش کمانگر

به دنبال ابراز آمادگی دولت فدرال کانادا و حزب حاکم لیبرال به رهبری ژان کرتین، مبنی بر ارائه لایحه‌ای به پارلمان جهت به رسمیت شناختن ازدواج همجنس گرایان و تغییر و یا گسترش معنای «خانواده» جامعه کانادا حول این موضوع حساس، عملاً به دو شقه تقسیم شده و مباحثات و آکسیون‌های پرحرارتی در دفاع و یا مخالفت با این گام مهم برای رفع تبعیض و زمینه سازی بیشتر برای برخورداری همجنس گرایان کانادایی از برابری حقوقی با دیگر اقشار مردم، جریان دارد.

مباحثات مربوط به حقوق همجنس گرایان در کانادا، به طور عمده از نخستین سال های دهه ۷۰ میلادی شروع شد. در آن سال ها همجنس گرایان مرد ( گی ها ) و همجنس گرایان زن ( لزبین ها ) به شدت مورد تحقیر، آزار و تبعیض قرار می گرفتند و لذا بسیاری از آنها ناگزیر از پنهان کردن هویت و گرایش جنسی خود بودند. اما با شکل گیری نهادهای همجنس گرایان و گر گرفتن جنبش دفاع از حقوق آنها، آرام آرام زمینه برای به رسمیت شناختن حق حیات، شیوه زندگی و برابری- حقوقی آنها در جامعه و نیز در قوانین رسمی کشور فراهم آمد و دفاع از حقوق آنها و مقابله با «هوموفوبیسم» (ضدیت با همجنس گرایان) به پرچم اکثر نیروهای چپ، مدرن و بعضاً لیبرال تبدیل شد. به طوری که اکنون «هوموفوبیا» جرم تلقی شده و آزار و یا اعمال تبعیضات شغلی، سیاسی و ... علیه همجنس گرایان مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد. این تحول تا بدانجا پیش رفته که دیگر کمتر کسی در جامعه کانادا (و نیز در اغلب کشورهای پیشرفته و متوسط سرمایه داری) یافت می شود که از سرکوب و اعمال تبعیض آشکار علیه این بخش از مردم دفاع کند. در طول این سه دهه همجنس گرایان و مدافعین حقوق آنها توانسته اند پله به پله، به آرمان برابری کامل همجنس گرایان و دو جنس گرایان ( بای سکشوال ها ) با « دگر جنس گرایان » ( استریت ها ) نزدیک شوند، اکنون در تداوم این راهپیمایی دشوار، آنها و نیروهای مترقی و مدرن تلاش گسترده و دیگری را برای به زیر کشیدن یکی از اصول و سنت های تاکنونی و رایج یعنی درک «دگرجنس گرایانه» و یک بعدی از نهاد «خانواده» آغاز کرده اند که البته صرفاً شامل کانادا نمی شود و بدل به یک چالش بین المللی شده است. در بسیاری از کشورهای اروپایی نه تنها برخی از دادگاه ها بلکه بخشی از کلیساها نیز تسلیم اراده نیروهای مدرن و برابری طلب شده و عملاً حق تاهل و تشکیل رسمی خانواده توسط همجنس گرایان را پذیرفته اند، بخصوص که در برخی کشورها، شماری از کشیشان با «کشف حجاب» و خاتمه دادن به مخفی کاری، علناً اعلام همجنس گرایی نموده اند که این مساله بارگاه برخی مقامات عالی رتبه مسیحی از جمله «واتیکان» را لرزاند و کشیشان خاطی، تهدید به خلع لباس و اخراج شده اند.

در این میان اسقف اعظم کلیسای انگلیکان در وست مینستر بریتانیا که مرکز اعصاب این شاخه از مسیحیت است، طی حکمی رسماً به کشیشان و کلیساهای تحت امر خود در سراسر جهان ابلاغ نموده که مجازند در کلیسای خویش خطبه عقد را نه تنها برای زن و مرد بلکه برای همجنس گرایان نیز جاری کنند. این ابلاغیه شاخه مسیحی انگلیکان را در سراسر جهان دچار زمین لرزه و انشقاق نموده است به ویژه که رهبر این فرقه مسیحی، اخیراً در نیوهامشایر امریکا، رسماً یک کشیش «گی» را خادم یک کلیسا نمود. به اعتقاد بسیاری از مسیحیان و سنتی تر از همه ، کاتولیک ها و از جمله پاپ ژان پل دوم (رهبر واتیکان) همجنس گرایی خلاف آموزه های عیسی

مسیح و کتاب مقدس (انجیل یا بائبل) است. آنها ابراز عقیده می‌کنند که در شرایط کنونی جهان، گرچه مخالفتی با حق حیات و شیوه زندگی همجنس‌گرایان ندارند، اما دیگر به هیچ وجه این «جسارت» ضد مذهبی را تحمل نمی‌کنند که عده‌ای بخواهند از نهاد «مقدس» خانواده، تعریفی جز ازدواج و اتحاد زن و مرد، به دست دهند. از این رو از افریقا تا هندوستان، از اروپا و امریکا تا کانادا، سمینارها و آکسیون‌هایی توسط کلیسای محافظه کار و مسیحیان متعصب و احزاب راست مدافع آنها برپا می‌شود. از جمله اخیراً تعدادی از اسقف‌های مخالف ازدواج همجنس‌گرایان که از کشورهای مختلف آمده بودند، کنفرانسی در ونکوور برگزار کردند و یا یکشنبه ۷ سپتامبر در سراسر کانادا، بعد از مراسم دعا در کلیساها در چندین شهر، تظاهرات‌هایی در برابر دفاتر نمایندگان پارلمان فدرال برپا شد که البته شور چندانی برنشانگیخت، در بزرگترین این آکسیون‌ها، تنها چند صد نفر شرکت کرده بودند از جمله در ونکوور تنها حدود دویست نفر در برابر دفتر یک نماینده پارلمان (هرب دالیوال) جمع شده بودند. در ونکوور همچنین در روز ۱۶ آگوست حدود چهار هزار نفر از موافقین و مخالفین ازدواج همجنس‌گرایان در برابر ساختمان دادگاه عمومی دست به تجمع زدند تا به مخالفت و یا موافقت با تصمیم مراجع قضایی استان مبنی بر قانونی بودن ازدواج همجنس‌گرایان بپردازند. لازم به تذکر است که استان بریتیش کلمبیا بعد از استان اونتاریو، دومین ایالت کاناداست که رسماً ازدواج همجنس‌گرایان را پذیرفته و جلوگیری از آن را خلاف «منشور حقوق و آزادی‌های مدنی کانادا» می‌داند. ایالت «کیک» نیز در همین راستا تلاش‌هایی را آغاز کرده است. برطبق یک نظر سنجی توسط موسسه «ایپسوس رید» ۵۴ درصد کانادایی‌ها از حق ازدواج همجنس‌گرایان حمایت می‌کنند و ۴۴ درصد نیز مخالف رسمیت و قانونیت چنین حقی هستند. دو درصد نیز اعلام بی‌نظری نمودند. در استان بریتیش کلمبیا درصد موافقین چنین حقی به ۶۴ درصد می‌رسد (روزنامه ونکوور سان ۱۸ آگوست ۲۰۰۳) در سال ۲۰۰۰ طی نظرسنجی که توسط «مرکز تحقیق و اطلاعات کانادا» صورت گرفته بود بین ۵۳ تا ۵۵ درصد کسانی که مهاجر و یا جزو اقلیت‌های شناخته شده قومی بودند، با ایده به رسمیت شناختن حق ازدواج همجنس‌گرایان ضدیتی نداشتند این میزان در میان سفیدپوستان و غیر مهاجرین بین ۶۵ تا ۶۶ درصد بود (روزنامه ونکوورسان ۹ سپتامبر) همچنین یک موسسه نظر سنجی دیگر به نام «سس ریسرچ» اطلاع می‌دهد که برطبق نظرخواهی نمونه وار اخیر آنها، ۴۷ درصد مردم کانادا با این ایده موافق و ۴۴ درصد مخالف و ۹ درصد ممتنع هستند (روزنامه ونکوور سان ۸ سپتامبر) از میان احزاب سیاسی عمده کانادا که در پارلمان، فراکسیون دارند، تنها حزب دست راستی «اتحاد کانادایی» رسماً و پیگیرانه مخالفت خود را با این حق و تلاش دولت فدرال در این زمینه ابراز داشته است.

۴ حزب دیگر پارلمان کانادا، یعنی حزب لیبرال، حزب محافظه کار پیشرفته، حزب بلوک کبکی‌ها و حزب نیودموکرات اکثریاً با تصویب چنین لایحه‌ای موافق هستند هرچند که در درون حزب حاکم، شماری از نمایندگان مجلس و کابینه دولت (به ویژه آنها که به اقلیت‌های مهاجر نظیر چینی‌ها و سیک‌ها تعلق دارند) با این تصمیم مخالفتند و طرح آن توسط دولت فدرال را نوعی تیر خلاص به حزب لیبرال می‌دانند که معمولاً در انتخابات پارلمانی از حمایت اکثریت مهاجرین برخوردار است. این دسته از نمایندگان ابراز نگرانی می‌کنند که حزب مافوق راست «اتحاد کانادایی» با اگراندیسمان کردن این موضوع، بتواند آرای قشرهای سنتی و محافظه کار چینی، هندی‌ها، مسلمانان، یهودیان و دیگر اقلیت‌های مذهبی یا قومی که در کشورهای زادگاهشان همجنس‌گرایی به عنوان یک بیماری و یا جرم و فساد اخلاقی تلقی می‌شود، به دست آورند. ضمن اینکه این حزب به طور سنتی روی آرای محافظه کاران سفید پوست و مسیحی نیز تکیه دارد. به همین خاطر برخی از اعضای کابینه معتقدند که حل این معضل را باید به بعد از انتخابات سراسری سال آینده که مصادف با کناره‌گیری نخست‌وزیر ژان کرتین از رهبری حزب لیبرال نیز

خواهد بود، موکول کرد اما پال مارتین (وزیر دارایی پیشین و نماینده پرقدرت فراکسیون لیبرال‌ها در پارلمان) که از او به عنوان مهمترین کاندیدای جانشینی کرتین یاد می‌کنند، خواستار بردن این لایحه به مجلس در پاییز امسال است، چیزی که ریموند چن (وزیر پیشین دولت کرتین و نماینده اسبق و چینی تبار مجلس از شهر ریچموند) آن را از هر لحاظ به سود رقیب اصلی حزب لیبرال یعنی اتحاد کانادایی می‌داند. وی می‌گوید که این لایحه به هیچ وجه برای اکثریت چینی تبارها قابل هضم نیست، به ویژه که تا همین اواخر همجنس‌گرایی در چین یک بیماری روانی شناخته می‌شد و فرد «خاطی» را به «تیمارستان» و یا نزد روان‌پزشک می‌فرستادند. همین نگرانی را فعال دیگر حزب لیبرال و استاد علوم سیاسی دانشگاه سایمون فریزر ونکوور «شیندر پروال» دارد که مدعی است اکثریت هندو-کانادایی‌ها با ایده ازدواج همجنس‌گرایان مخالف هستند و ممکن است در صورت اصرار دولت برای تصویب این لایحه، در انتخابات آتی، لیبرال‌ها را مورد مواخذه قرار دهند.

در مقابل، اکثریت حزب حاکم (و طبعاً اکثریت نیروهای سیاسی کشور) با اشاره به نتایج چندین نظر سنجی، ابراز عقیده می‌کنند که اکثریت مردم کانادا مخالفتی با تصویب این لایحه ندارند. به علاوه عمل دولت در واقع نوعی رسمیت دادن به عمل انجام شده است که دادگاه‌های ایالات کانادا، یکی یکی مشغول قانونی کردن این مساله هستند و قرار است دیوان عالی قضایی کانادا نیز چند ماه دیگر نظر نهایی خود را در مورد مغایرت یا عدم مغایرت ازدواج همجنس‌گرایان با قانون اساسی و منشور حقوق مدنی کانادا اعلام نماید. اما آنچه مسلم است و روند حوادث در سه دهه اخیر نشان داده، مقاومت سنت‌گرایان و متعصبین مذهبی (اعم از مسیحی، مسلمان، بودایی، هندو و ...) بی‌فایده است و جهان ما سال به سال بیشتر به اهمیت رفع تبعیض از انسان‌ها به خاطر گرایش جنسی شان (سکشوال‌اورینتیشن) پی می‌برد. کما اینکه زمانی کلیسای واتیکان معتقد به ساکن بودن کره زمین، ضرورت حکم اعدام و مخالف تئوری تکامل داروین بود، اما اکنون مجبور شده هم گردش کره ارض را به رسمیت شناسد، هم به لغو مجازات مرگ «ایمان» آورد و هم بپذیرد که اجداد ما از اول «آدم» نبودند بلکه شجره قبل از آدمیت ما به حیوان شریف و شوخ طبعی از شاخه میمون‌ها برمی‌گردد! دیر یا زود بشریت مدرن حصار «مقدس» خانواده سنتی را نیز خواهد شکست، همچنانکه تابوی بکارت و سکس‌پیش از ازدواج را نیز «جرم‌زدایی» و «حلال» نمود و مازوخیسم «شب زفاف» را در بسیاری از جوامع مدرن پایان داد. همچنان که بسیاری از شاخه‌های مسیحی، راه خود را از کاتولیک‌هایی که سکس را بر کشیش و راهبه حرام کردند جدا نمودند تا از این «نعمت دنیوی» بی‌بهره نمانند. این تحولات مثبت و به ویژه وجود شمار روز افزونی از کشیش‌های همجنس‌گرا به خوبی ثابت می‌کنند که این مذهب است که باید خود را با مقتضیات و شرایط مدرن امروزی هماهنگ کند و نه بالعکس. در غیر این صورت نابودی سریع آن حتمی است. مسیحیت اگر می‌خواست همچنان انجماد دوران انگیزاسیون (قرون وسطی) را حفظ کند، اکنون چیز دندان‌گیری از آن باقی نمانده بود. همین مساله ایضا در مورد سایر ادیان نیز صدق می‌کند که از میان آنها دین اسلام و قشرهای متعصب مسلمانان و حکومت‌های متکی بر آنها، بیشترین ضدیت را با حق‌گرایش جنسی و همجنس‌گرایی و دو جنس‌گرایی دارند.

دین اسلام و کتاب «مقدس» آن «قرآن» از همان ۱۴۰۰ سال پیش، احکام شداد و غلاظی علیه گناه کبیره همجنس‌گرایی داشته است که از آن عمدتاً با لفظ «لواط» یاد می‌کنند. همین سنت دیرینه ایضا در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب یافته است. در «قانون مجازات اسلامی» رژیم در فصل «حدود» در باب دوم آمده که رابطه جنسی مردان با یکدیگر تحت عنوان لواط و در باب سوم، همجنس‌گرایی زنان با اندام تناسلی، مساقعه، مستوجب مجازات شدید هستند. در تعریف و موجبات «حد لواط» ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی می‌گوید «لواط، وطی انسان

مذکر است چه به صورت دخول باشد یا تفخیز.»

ماده ۱۱۹- شهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد، لواط را ثابت نمی کند.

ماده ۱۲۱- حد تفخیز و تظاهر آن بین دو مرد بدون دخول، برای هر یک صد تازیانه است. تبصره- در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل قتل است.

ماده ۱۲۳- هرگاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند، بدون دلیل در زیر یک پوشش به طور برهنه قرار گیرند، هر دو تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیر می شوند.

بدین ترتیب حبس، شکنجه و در یک حالت، حکم مرگ، عواقبی هستند که در ایران تحت حاکمیت استبداد مذهبی، زندگی و حقوق همجنس گرایان را تهدید می کند. آخوندها در شرایطی به تعقیب و تنبیه همجنس گرایان مبادرت می ورزند و شدیدترین حملات هوموفوبیک را علیه حق گرایش جنسی انسان ها سازمان می دهند که خود در زمینه مسایل جنسی از عقب مانده ترین و کثیف ترین سنت ها پیروی می کنند. این حضرات، اگر چه سخت مخالف همجنس گرایی هستند اما با پدوفیلیسم (بچه بازی) با تعدد زوجات، با بریایی حرمسرای خانگی، با تکیه بر سنت صیغه و فحشای شرعی.... مطلقاً هیچ مخالفتی ندارند بلکه آن را حلال نیز می پندارند.

از این رو در مصاف با استبداد سیاسی-مذهبی حاکم بر کشورمان، نیروهای اپوزیسیون و عموم کسانی که خود را مدافع آزادی و مخالف تبعیض و نابرابری در تمامی عرصه های زندگی می دانند، باید ضمن مرزبندی قاطع با هوموفوبیای دولتی و غیر دولتی حاکم بر کشورمان، پیگیرانه از حق گرایش جنسی و رفع هرگونه تبعیض و تحقیر و آزار همجنس گرایان دفاع کنند. امر مهمی که تا این لحظه فقط دو سه جریان چپ انجام داده اند. از جمله « راه کارگر » که چند سال پیش در جریان برگزاری کنگره سالیانه خود، بند مربوط به دفاع از حق گرایش جنسی را رسماً وارد برنامه سازمان خود نمود، که در تاریخ فعالیت احزاب سیاسی ایران بیسابقه بود. باشد که دیگران نیز ناسی نمایند!